

جہانگیری:

باطل السحر تهدیدها «انسجام ملی» است

گروه سیاست: ہمایش فرمانداران سراسر کشور روز پنجشنبه با حضور معاون اول رئیس جمهور، وزیر کشور و وزیر خارجه در محل وزارت کشور برگزار شد. اسحاق جهانگیری در این مراسم گفت: «استانداران و فرمانداران...

صفحه ۳

شنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۸ • ۱۰ ذی‌القعدة ۱۴۴۰ • ۱۳ جولای ۲۰۱۹

تیترا

وزیر خارجه انگلیس:

دنبال تشدید تنش نمی‌گردیم

سپاه ادای قصد توقیف نفت‌کش انگلیسی در خلیج فارس را تکذیب کرد

صفحه ۲

کارشناسان خواستار شدند

افشای لیست عزل و نصب‌های جدید در صندوق بازنشستگی

صفحه ۵

برگ دیگری از حوادث ۱۸ تیر ۷۸

آیا خاتمی از نظری دلجویی کرد؟

صفحه ۲

گفت‌وگو با مشاور حقوقی معاونت آموزش‌رئاست جمهوری

لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت سیاسی نیست

صفحه ۱۳

یک جایزه مردمی دیگر برای فردوسی‌بور

عین مثل عادل

صفحه ۱۴

حرف اول

«شمس اردکانی»: وزیر ردی دولت‌ها

سیدشهاب‌الدین طباطبایی



اقتصاددانی با سوابق دیپلماتیک یا دیپلماتی اقتصاددان چندان تفاوتی نمی‌کند؛ او بعضی وقت‌ها غیرقابل تحمل است؛ وقتی پای منافع ملی به میان می‌آید، صراحت لہجہ‌اش برای خیلی‌ها که یا سوادش را ندارند یا منافعشان ایجاب نمی‌کند، غیرقابل تحمل می‌شود. به دور از دعوای‌های سیاسی دیگہ‌ها و نظراتش را دربارہ ہرآنچه در اقتصاد و اثری منافع کشور را تأمین می‌کند می‌گوید اما با مدیران نالایق و سیاسی‌کاری، بی‌ملاحظہ دعوا می‌کند. بی‌پروا سخن‌گفتنش از موضوعات ملی و منافع کشور بدون توجه به گرایشات سیاسی مدیران عالی، البته بعضی جاہا برایش گران تمام شدہ اما خودش را به پست از فروخته است. یکی از سمت‌هایش در دولت‌های مختلف وزیر ردی است! چون فهمیدہ‌اند کہ بعضی وقت‌ها غیرقابل تحمل می‌شود!

مدیران زیادی را سراسر داریم کہ قبل از جلوس ایده‌های ناب و رویاهای بزرگی داشته‌اند. بعد از آن یا بہ دلایل مختلف دچار فراموشی شدہ‌اند، یا مطالبات دوروبری‌ها و نزدیکانشان فرصتی برای اجرای آن ایده‌ها نگذاشته یا فقط در حد ایده‌پرداز بوده‌اند و اطمینان بہ توان مدیریتی‌شان از اساس اشتباه بوده است یا استادان دانشگاهی فراوانی را می‌شناسیم کہ با وجود تبحر و تسلطشان در تدریس واقعا توان اداره یک کارواش را زن نداشتہ‌اند و بہ وزارت و امثال آن ہم رسیدہ‌اند و نتیجہ‌اش را با گوشت و پوست و استخوان و بلکہ با اعصابمان لمس کردہ‌ایم. او از آن دستہ‌ای است کہ ہم کلاس درسش جذاب و آموزندہ و البته سخت است. ہم مدیریت اجرایی‌اش را می‌توان بہ‌عنوان نمونه تدریس کرد. یکی از شاگردانش تعریف می‌کرد در کلاس درس وقتی دکتر گفت فقط قرار است بہ زبان انگلیسی صحبت کنیم، ایراد گرفتم کہ ما فارسی‌زبان هستیم. دکتر گفت پس مقدمہ گلستان سعدی را بخوانید و در مقابل ناتوانی‌مان، از حفظ شروع بہ خواندنش کرد. وقتی وارد جزیرہ قشم می‌شوید، بعد از تقریباً ۲۶ سال هنوز از او بہ‌عنوان مدیر موفق یاد می‌کنند کہ ہم درست مدیریت کرد ہم نخورد و البته او هنوز ہم برای درختانی کہ مدیران نالایق قلع و قمع کردہ‌اند، اقامہ دعوا می‌کند. درختانی کہ بعضی‌هایشان را وقتی مدیرعامل مقتدر قشم بودہ، بہ دست خودش کاشته است.

ادامه در صفحه ۲



روزنامه

آیت‌الله نعیم آبادی از امامت جمعه بندرعباس کناره‌گرفت

استمرار استعفاها

گروه سیاست: در ادامہ استعفاہای انئمہ جمعہ در سہ سال گذشتہ، اسفند ۹۷ عباسعلی سلیمانی، امام جمعه زاهدان، نهمین امام جمعه‌ای بود کہ استعفا دادہ بود تا اینکہ روز گذشتہ خبر رسید دہمین فرد، یعنی امام جمعه بندرعباس...

صفحه ۳

سال شانزدهم • شماره ۳۴۷۳ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

چه کسی مردم را محاکمه می‌کند؟

احمد غلامی . سردبیر



در دور دوم انتخابات سال ۸۴ کہ محمود احمدی‌نژاد در برابر اکبر هاشمی‌رفسنجانی بہ پیروزی رسید، یاس و سرخوردگی عمیقی در بین روشنفکران و اصلاح‌طلبان اتفاق افتاد. اینک بعد از گذشت سال‌ها با واکاوی رویدادهای آن زمان، بہ خطای فاحش مردم بی‌خواہیم برد. در آن دوران و در لحظات پایانی وقت قانونی تبلیغات ریاست‌جمهوری، ہمہ نخبگان جامعہ بہ میدان آمدند تا با تمام توان مردم را از خطر رأی آوردن احمدی‌نژاد آگاہ کنند؛ اما گوش مردم بدہکار نبود و عده‌ای با امتناع از رأی‌دادن بہ ہاشمی و عده‌ای با حمایت از احمدی‌نژاد، فردی را روی کار آوردند کہ بیش از ہمہ بہ خود آنها آسیب رساند. دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری ۸۴ نقطہ عطفی در تاریخ انتخابات ما است کہ خسارات فراوان بہ بار آورد. بعد از روی کار آمدن احمدی‌نژاد تحلیل‌های بسیاری صورت گرفت. برخی ناکارآمدی دولت اصلاحات را علت ظہور احمدی‌نژاد می‌دانستند و برخی رقیب او، ہاشمی‌رفسنجانی را مقصر قلمداد می‌کردند و با اطمینان می‌گفتند ہرکس دیگری ہم بہ‌جز احمدی‌نژاد روبہ‌روی ہاشمی‌رفسنجانی قرار می‌گرفت، پیروز میدان بود. تحلیلگرانی ہم بودند کہ مبنای روی کار آمدن احمدی‌نژاد را افزایش قیمت نفت می‌دانستند و اینکہ او، فرد قابل اعتمادی بود و خیال‌ها را از دخل‌وخرج نفت آسودہ می‌کرد. برخی ہم روی کار آمدن احمدی‌نژاد را بہ شرایط جہان نسبت می‌دادند و می‌گفتند در دیگر کشورہا نیز رؤسای جمهوری بہ قدرت رسیدہ‌اند کہ اغلب تفکرات دست راستی دارند و پوپولیست هستند. در این میان کسی از مردم سخن نگفت. مردمی کہ بہ شکلی احساسی دست در دست احمدی‌نژاد دادند تا کشور را بہ جایی بازگردانند کہ خود اصلاحش را از آنجا شروع کردہ بودند، چیزی شبیہ افسانہ سیزف شاید. بیش از ہمہ مردم در روی کار آمدن احمدی‌نژاد در دور دوم انتخابات سال ۸۴ سهم داشتند و بعید است اصلاح‌طلبان و روشنفکران آن دوران تلخ را فراموش کنند. اصولگرایان نیز بعید است دیگر بہ آن روز‌ہا بازگردند کہ در شعلہی دور از پردہ‌پوشی فریاد برآوردند: «ملت کار را تمام کرد». بہ‌راستی این‌بار ملت کار را تمام کرد! تمام زحمات دولت سازندگی و دولت اصلاحات را چوب حراج زد و گام‌های معلق دموکراسی را یک‌شبه بہ ثمن بخش بخشید. بعد از آن مردم بہ خانہ‌هایشان رفتند تا ثمرہ انتخاب خویش را کہ از روی خشم بود یا بغض بہ نظارہ بنشینند. دیگر کاری از مردم ساختہ نبود و بہ‌واقع آنان کار را تمام کردہ بودند و حالا این احمدی‌نژاد بود کہ با رأی آنان جولان می‌داد و بہ هیچ قاعدہ‌ای تن نمی‌داد. مردم اشتباہ می‌کنند، سیاستمداران ہم اشتباہ می‌کنند. سیاستمداران را مردم محاکمہ و مجازات می‌کنند؛ اما چہ کسی مردم را محاکمہ و مجازات خواہد کرد؟ آن‌گونہ کہ تاریخ نشان دادہ است، سیاستمداران کمتر خلاف میل تودہ مردم گام برداشتہ‌اند؛ آنان ہموارہ از مردم سخن گفتہ‌اند و اشتباہاتشان را نادیدہ گرفتہ‌اند، اما تاریخ اشتباہات هیچ‌کس را نادیدہ نمی‌گیرد، ازاین‌رو مردم در انتہای بعدی بہ جبران مافات برخاستند. سال ۸۸ و دورہ دوم احمدی‌نژاد و وقایع بعد از آن، ہرچہ بود، چیزی جز نتیجہ اعمال ما نبود. باور بہ پوپولیسم، منحصر بہ سیاست نیست. بسیاری از روشنفکران و نخبگان جامعہ نیز اگر موافق رفتارهای پوپولیستی نباشند، بعید است در برابر آن استوار بایستند، ازہمین‌روست کہ غالب روشنفکران ما را رفتاری محافظہ‌کارانہ و از موضع ایجابی برای آگاہی مردم تلاش می‌کنند و بہ‌ندرت اتفاق افتادہ است کہ نخبگان جامعہ با روحیات و خلقیات تاشیاست مردم‌رودررو شوند و آنان را با تیغ نقد جراحی کنند. چنین شہامتی نادر است، مگر در میان اندکی از روشنفکران کہ از رزق و روزی و شہرت دست شستہ باشند.

ادامه در صفحه ۴



گفت‌وگو با حسین مرعشی درباره بہنگامی و نابہنگامی تصمیمات سیاسی

ہمہ سیاسیون ما خوشہ چین‌اند

عارف، جہانگیری، شریعتمداری، دہقان وقاضی زادہ ہاشمی خود را برای انتخابات ریاست‌جمهوری آمادہ می‌کنند

پیگیری می‌کند اکنون چہ باید کرد؟

صفحه ۶

یادداشت

یک عمر دوستی با «شمس»



فریدون مجلسی تحلیلگر روابط بین‌الملل

شامگاہ دو، سہ شب پیش تلفنم زنگ زد، علی بود؛ دکتر علی شمس اردکانی. گفت نزدیک خانہات هستم. برایت از باغچہ سولقان آلبالو آوردہام. او می‌داند کہ چقدر بہ آلبالو و تولیدات جانبی ازجملہ مربا و شربت و آلبالوولع علاقه دارم. بستہ بزرگی ہم آورد کہ بہ‌جز بخش سنتی خام‌خواری، بقیہ بی‌درنگ راہی دیک محصولات جانبی و رنگین‌کردن سفرہ فردا شد. بستہ را داد و رفت. گفت می‌دانی کہ زود می‌خواہم و اکنون از و قتش ہم گذشتہ است. چنین اتفاقی میان دو دوست می‌افتد و سابقہ دوستی ما بہ سال ۱۳۴۱ بازمی‌گردد کہ ہردو قدم بہ دانشکدہ حقوق گذاشتیم؛ یعنی ۵۷ سال پیش. در دوران دانشکدہ ما بچہ‌های تہران دور ہم بودیم و بچہ‌های شہرستانی بہ دلیل الفت بیشتر زندگی در خوابگاہ کوی دانشگاه با یکدیگر مأنوس تر بودند. علی در میان این دوگروہ در نوسان بود. شاد و پر انرژی بود و سر بہسر دوستانش می‌گذاشت و ہرجا بود ولولہ‌ای برپا می‌کرد. تنہا انجمن دانشجویی دانشکدہ کہ می‌شد آن را نوعی کبریت بی‌خطر نامید، انجمن دانشجویان طرفدار سازمان ملل بود کہ گردش‌های سال ۱۳۴۳ تور عراق شامل بغداد و نجف و کربلا و سامرا بود کہ با یک اتوبوس عازم شدیم و از لحظہ آغاز تا ۱۲،۱۰ روز لحظہ‌ای دست از شلوغ‌بازی خاطرہ‌انگیز برنداشت.

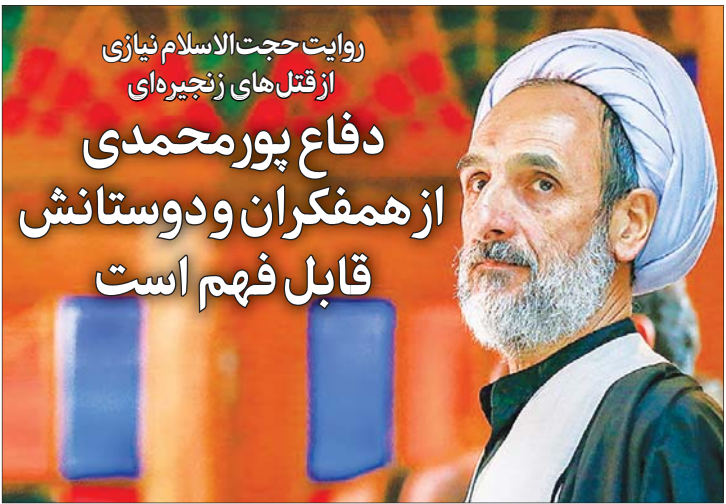
در سر شوری داشت. مدتی دیدیم مشغول سرکشی بہ عملیات ساختمانی در کوی دانشگاه بود، معلوم شد بہ انکای ارادت مذہبی یکی از متمولین یزدی بہ پدرش در دیداری با آن مرد محترم یزدی، بہ او گفتہ بود کہ آقای کارزونی ثروتمند اصفہانی در کوی دانشگاه ساختمان ویژه‌ای برای دانشجویان اصفہانی ساختہ است، درحالی کہ دانشجویان نیز در لحاظ مسکن در مضیقہ‌اند! آن یزدی نیکوکار ہم

ادامه در صفحه ۲

متهمان جدید پتروشیمی گیت

در آستانہ دہمین دادگاہ رسیدگی بہ پروندہ ۱۴ متہم بہ اخلال در نظام اقتصادی

گروہ اقتصاد، شکوفہ حبیب‌زادہ: در آستانہ دہمین دادگاہ رسیدگی بہ پروندہ پتروشیمی گیت کہ رقم اصلی اخلال در نظام اقتصادی کشور در آن از زبان نمایندہ دادستان، شش‌میلیارد و ۶۵۶ میلیون یورو اعلام شدہ، نگاهی داریم بہ آنچه در پروندہ‌های سہ‌گانہ این تخلف‌ها رخ دادہ است. پس از اعلام ارقامی کہ در این پروندہ بہ‌عنوان فساد گسترده در پروندہ ۶،۶میلیاردیورویی عنوان شدہ بود، عباس جعفری‌دولت‌آبادی، دادستان پیشین تہران، این



روایت حجت الاسلام نیازی از قتل‌های زنجیرہ‌ای دفاع پور محمدی از ہمفکران و دوستانش قابل فہم است

در پی بازنشر گفت‌وگوی حجت‌الاسلام‌والمسلمین مصطفی پورمحمدی با نشریہ «ملت»، در روزنامہ «شرق» سہ‌شنبہ ۱۸ تیر ۱۳۹۸ کہ در بخشی از آن بہ موضوع مہم قتل‌های زنجیرہ‌ای در سال ۱۳۷۷ پرداختہ شدہ است، محمد نیازی، رئیس سازمان قضائی نیروہای مسلح در زمان رسیدگی بہ پروندہ قتل‌های زنجیرہ‌ای، پاسخی بہ روزنامہ فرستاد. او در ابتدای این پاسخ نوشتہ‌اند: از آنجا کہ بخش‌هایی از مطالب ایشان درباره این موضوع دقیق نبودہ و با واقعیت مطبق نیست، لازم است توضیحاتی در این زمینہ ارائه شود. پاسخ جناب آقای نیازی بہ این شرح است: بدوا مطالب جناب آقای پورمحمدی آوردہ می‌شود:

«آقای خسرو تہرانی نخست‌وزیری بود. اما آقای عالیخانی از بچہ‌های اسپاہ بود. در بحث قتل‌های زنجیرہ‌ای کہ شما بحث خاستان خودسربودن بود، نہ؛ آن بخش وزارت اطلاعات هیچ خودسر نبودند. شاید مدیرانش یک‌سری تصمیمات بد می‌گرفتند. ما داشتیم جاہایی کہ خود من موضع و انتقاد داشتیم کہ بی‌خود کردید این تصمیم را گرفتید... اما این جور نبود کہ از سرت‌ها باشد. حتی این داستان قتل‌های زنجیرہ‌ای در سیستم اتفاق افتاد. جانشین امنیت، یعنی معاون امنیت، جانشین مدیر این پروژہ بود کہ گرایش چپ داشتند؛ یعنی جایی نبود کہ پنج نفر خودسرانہ آمدہ باشند دست از کار رزدہ باشند. اینہا برای خودشان تحلیلی داشتند و فکر می‌کردند طبق آن تحلیل باید بہ نظام خدمت کنند و اصلاح‌طلبان را از ورطہ خطرناکی کہ در آن خواہند افتاد، نجات بدهند. تحلیلشان ہم این بود کہ ضد انقلاب دارد بہ اصلاح‌طلب‌ہا می‌چسبد و ما ناچاریم دوبارہ حوادث سال ۶۰ و جنگ‌های خیابانی در تکرار و تجربہ کنیم. اینہا گفتند ما عملیات پیش‌دستانہ انجام بدہیم تا این اتفاقات نیفتد و اتفاقا مدیران اصلی این تصمیم گرایش چپ داشتند؛ یعنی نسبت بہ آقای خاتمی کہ رئیس جہور شدہ بود، نظر مثبت داشتند و طرفدار آقای خاتمی بودند. [سؤال:] یعنی مدیر این پروژہ سعید امامی نبود؟ آقای پورمحمدی: این کہ مشخص بود. آنہایی کہ دستگیر شدند و اعتراف کردند، گفتند آقای سعید امامی مشاور وزیر بود و نہایتا بہ‌عنوان مشاور از ایشان استفادہ کردہ بودند. مدیر پروژہ کہ نبود، مدیر تصمیم‌گیری نبود. نہ مقام تصمیم‌گیری داشت، نہ مقام طراحی و اجرا داشت؛ حداکثر با ایشان مشورت کردند کہ ما از ایشان سؤال کردیم، گفت نہ من در این کار نبودم تا آخرین لحظہ ہم حرفش این بود کہ من نبودم. بہ آن آقایان کہ می‌گفتم، تعبیری کہ می‌کردند، می‌گفتند ما اجازہ ہم داریم کہ ہرچہ تلاش کردیم، ما اجازہ‌ای ندیدیم؛ ولی تلقی و نظر خودشان این بود کہ ما رفتیم و اجازہ ہم داریم و از این حرف‌ها.

ادامه در صفحه ۱۰

شرق

تحويل روزنامه درب منزل

یا محل کار شما بدون هزینه ارسال

۸۸۲۰۹۵۹۳

۸۸۱۹۸۹۶۴

پیام کوتاه

۳۰۰۰۴۶۹۹

الوشرق

۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir